نکاتی درباره کودکان کار و اصولی ترین شیوه رفتار با آن‌ها به بهانه روز جهانی مبارزه با کار کودکان

نه تحقیر نه بخشیدن پول فقط حفظ کرامت‌شان

دکتر ساحل گرامی | روان شناس بالینی و روان شناس کودک

مناسبت روز

همین که سر چهارراه ترمز می‌کند، دختر بچه‌ای کنار شیشه خودرواش می آید و یک بسته دستمال کاغذی را به او نشان می‌دهد. «شیشه رونده پایین»؛ همسرش با این جمله، رشته افکارش را پاره می‌کند. مرد می‌گوید: «داشتم به همین فکر می‌کردم که کمکش کنم یا نه؟ اصلا کمک کردن به نفع اونه یا به ضررش؟». سازمان بین‌المللی کار از سال ۲۰۰۲ برگستره جهانی کار کودک و اقدامات و تلاش‌های مورد نیاز برای محو آن تمرکز کرده و بر همین اساس، روز ۱۲ ژوئن از همان سال به عنوان روز جهانی مقابله با کار کودک اعلام شده است. امروز و به همین بهانه، درباره این مشکل و اصولی‌ترین شیوه رفتار با کودکان کار خواهیم نوشت.

دلیل این مشکل بیشتر فقر فرهنگی است تا فقر مادی

معمولا هنگامی که از کودکان کار صحبت می‌شود، حواس همه به سمت بچه‌هایی می‌رود که سر چهارراه‌ها فال حافظ و آدامس به دست و با اصرار زیاد جنس خود را به مردم می‌فروشند در حالی که این کودکان تنها قسمتی از کودکان کار را تشکیل می‌دهند. بخش بزرگی از این کودکان در کارگاه‌های کیف و کفش‌سازی، کارخانه‌ها، کوره‌های آجرپزی یا مغازه‌ها به عنوان پادو مشغول به کار هستند. به دلیل شرایط نابه سامان زندگی مانند فوت، بیماری یا از کارافتادگی والدین، چرخ زندگی این خانواده‌ها به سختی می‌چرخد و معمولا محل سکونت شان در حومه شهرهای بزرگ است و مسکن آن‌ها را یک اتاق نیمه کاره یا گوشه‌ای از یک حیاط تشکیل می‌دهد. در نتیجه خانواده این کودکان چاره را در این می‌بینند که از همان سنین پایین، آن‌ها را به کاری مشغول کنند تا گوشه‌ای از هزینه‌های خانوار را تقبل کنند. در بهترین شرایط، این کودکان صبح‌ها کار می‌کنند و در مدارس شبانه به تحصیل خود ادامه می‌دهند. بماند که معمولا در دوره متوسطه تعداد زیادی از این کودکان از چرخه تحصیل خارج می‌شوند و این دور شدن یا خود خواسته است یا به صلاحدید والدین. خود خواسته از این لحاظ که تحصیل در مدارس سطح پایین عملا چیزی به دانش آن‌ها اضافه نمی‌کند و اغلب اعتقاد دارند که در نهایت من باید کارگری کنم پس تحصیلات تاثیر چندانی در آینده من نخواهد داشت. به علاوه این کودکان به قدری خسته هستند و در محیط‌های کوچک و نامطلوب زندگی می‌کنند که فرصتی برای درس خواندن مهیا نمی‌شود پس چه بهتر که درس خواندن زودتر تمام شود! والدین هم ترجیح می‌دهند فرزندشان جدی‌تر به کار فکر کند و به بهانه درس از ساعات کار خود کم نکند و پول بیشتری برای خانواده بیاورد. هر آن چه گفته شد معلول سیستم اقتصادی و فقر است اما اگر از من بپرسید خواهم گفت در این خانواده‌ها فقر فرهنگی بیشتر دیده می‌شود.

۱۵۲ میلیون کودک کار در دنیا وجود دارد و این یعنی از هر ۱۰ کودک در دنیا، یکی ناگزیر به تحمل کار اجباری است

۶۸ درصد کودکان کار در ایران، ملیت ایرانی ندارند (۶۳/۷ درصد افغانی و حدود ٤ درصد پاکستانی) و تنها ۳۲ درصد آن‌ها ایرانی هستند

برای بهبود زندگی‌شان تلاش کنیم

روش‌های تربیتی نادرست، ازدواج کودکان در سنین بسیار پایین بدون آگاهی دادن به آن‌ها و فرهنگ غلطی که کودک را فقط به چشم نان‌آور می‌بینند، همه دست به دست هم می‌دهد تا هر روز بیشتر شاهد این پدیده باشیم. به همین دلیل علاوه بر سامان‌دهی اقتصادی به شدت آموزش در حوزه امور فرهنگی توصیه می‌شود. اگر بخواهم واضح بگویم استدلال بعضی از این خانواده‌ها این گونه است: «بچه‌دار بشوم تا در آینده کمک خرج من بشود یا دخترم را زودتر شوهر بدهم تا خرج او به گردن شخص دیگری بیفتد یا به فرزند خود می‌گویند درس بخوانی که چه؟ اول و آخر باید زیر دست فرد دیگری کار کنی و ....» گویی این قشر طرز فکر دیگری را بلد نیستند و متاسفانه همین فکر را نسل به نسل منتقل می‌کنند. به همین دلیل به نظر می‌رسد ایجاد گروه‌های سازمان‌یافته متشکل از مددکار، روان شناس و جمعی از خیران راهکار مناسبی برای برداشتن قدم مثبت در بهبود زندگی این خانواده‌هاست. با توجه به این که تعدادی از این کودکان به شدت با استعداد هستند، می‌توان با تقبل خرج درمان والدین و خانواده یا تحصیل این کودکان به نحوی برای آینده‌شان سرمایه گذاری کرد و بعد از مزایای آن نفع جمعی برد نه این که در اولین قدم به خریدن یک جنس از آن‌ها اکتفا کرد.

پول‌تان را به آن‌ها نبخشید!

اما با تمام سختی‌هایی که این کودکان در زندگی خود تجربه می‌کنند، می‌توان با رفتار بهتر و معقولانه‌تر از رنج آن‌ها کاست و حقارت و کینه آن‌ها را از جامعه کم کرد. در برخورد با کودکان کار از خود ترحم نشان ندهید یا برعکس توهین نکنید. این کودکان متکدی نیستند در نتیجه حتما در ازای پولی که به آن‌ها می‌دهید، جنس تحویل بگیرید و بقیه پول را به آن‌ها نبخشید. انگار که از یک مغازه‌دار جنس می‌خرید، اجازه بدهید آن‌ها این احساس مثبت را تجربه کنند. با آن‌ها احساس صمیمیت نکنید و از زندگی و وضعیت معیشتی آن‌ها نپرسید. معمولا صحبت درباره وضع زندگی به آن‌ها احساس خجالت می‌دهد و نسبت به خانواده و وضعیت خود احساس سرافکندگی می‌کنند. اگر قصد خرید از آن‌ها ندارید خیلی قاطعانه به آن‌ها بگویید. لازم نیست از آن‌ها رو برگردانید، اخم یا توهین کنید چون این کار باعث احساس حقارت در کودک می‌شود و ضربه‌ای سنگین به روح و روان کودک وارد می‌کند.

کرامت انسانی‌شان را حفظ کنیم

توجه داشته باشید نوع برخورد جامعه با این کودکان تعیین کننده رفتار آینده آن‌هاست. اگر همواره با تحقیر نگریسته شوند، اگر کرامت انسانی آن‌ها حفظ نشود، اگر از امکانات آموزشی برخوردار نشوند، بعید است آن‌ها چیز مناسبی برای ارائه به جامعه داشته باشند و این کودکان تمام مسائل منفی را که گرفته‌اند به اجتماع پس خواهند داد و آن وقت بدون تردید ما مردم و مسئولان آخرین کسانی هستیم که باید از آن‌ها ایراد بگیریم، بدون تردید...

نفس ؟؟؟

تاکنون آمار دقیقی از تعداد کودکان کار در ایران توسط هیچ نهاد رسمی اعلام نشده اما یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس، آمار کودکان کار در ایران را بین ۳ تا ۷ میلیون اعلام کرده است

چهارشنبه ها

رمز و رازهای تغییر

ارزش خودتان را بدانید

دکتر شکیلا یوسفی
متخصص روان‌شناسی سلامت

انسان با قدرت تفکر و تصمیم‌گیری می‌تواند موانع و مشکلات پیش روی خود را حل کند و همین ویژگی، او را از بقیه مخلوقات متمایز کرده است. هر هفته و در همین ستون، مطالبی با محوریت پیش‌نیازهای تغییر بر اساس روایات را خدمت‌تان تقدیم می‌کنیم. این هفته می‌خواهیم بگوییم که اگر خود را ارزشمند بدانید، برای رسیدن به اهداف با ارزش‌تان بی‌وقفه تلاش خواهید کرد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «هیچ چیز در نزد خداوند گرامی‌تر از انسان نیست.» (منتخب میزان الحکمه، باب ۳۵، ص ۶۶۲). این روایت از جایگاه عظیم انسان خبر می‌دهد که دانستن آن، وظیفه انسان را برای بهتر شدن، بیش از پیش سنگین خواهد کرد.

شناخت خود، پیش‌نیاز رستگاری

بعد از این که جایگاه خودتان را در آفرینش باور کردید، باید بدانید یکی از عوامل بسیار مهم که باعث تغییر در انسان می‌شود، شناخت خود، توانمندی‌ها و استعدادهاست. شناخت خود باعث می‌شود بتوانید استانداردهای زندگی‌تان را با کیفیت‌تر انتخاب کنید. هیچ‌گاه تنها هدف‌تان این نباشد که کمیت زندگی خود را بالا ببرید. بالا بردن کمیت فقط ظاهری زیبا به زندگی می‌دهد که معمولا هیچ عمق و پایداری ندارد و رو به زوال است. تنها عاملی که زندگی شما و تمام ابعادش را متحول می‌کند، این است که کیفیت زندگی و اهداف خود را بالا ببرید. برای رسیدن به اهداف باید با غیرت و شهامت وصف ناپذیر راحتی را ترک کنید و خود را با تقدیر و شانس سرگرم نکنید و فقط رو به جلو به سوی مقصد و رسیدن به اهداف حرکت کنید. امام باقر(ع) می‌فرمایند: «هیچ شناختی مثل شناخت شما از خودتان باعث رستگاری نمی‌شود.» (تحف العقول، ص ۲۸۶) بنابراین قبل از تعیین اهداف در زندگی برای شناخت خودتان برنامه‌ریزی کنید تا بتوانید استانداردهای زندگی‌تان را با کیفیت‌تر انتخاب کنید.

نکته: برای نوشتن این مطلب از کتاب «جرئت تغییر داشته باش» نوشته «رسول ابراهیمی آبشور» استفاده شده است.

ارتباط‌های کلامی غلط و جایگزین صحیح آن (یک شنبه‌ها - چهارشنبه‌ها)

عاشق دانشگاه فردوسی هستم و چون قبول نمی‌شوم، به دانشگاه دیگری نمی‌روم!

خانمی ۲۶ ساله‌ام که علاقه زیادی به درس خواندن دارم اما پشتکار ندارم. دو بار دانشگاه را شروع و نیمه کاره رها کردم چون به دانشگاه پیام‌نور رفتم. از دوران دبیرستان عاشق دانشگاه فردوسی بودم اما قبول نشدم و الان هم به خاطر شغل همسرم در شهری مرزی زندگی می‌کنم و باز هم امکان رفتن به دانشگاه فردوسی را ندارم. می‌خواهم رشته حقوق پیام‌نور همین‌جا را شروع کنم اما فکر می‌کنم برای درس خواندن دیر شده. حالا به نظر مشاوران تحصیلی شما چه کار کنم؟ در ضمن یک دختر هفت ساله هم دارم.

فرزانه عطاران | مشاور تحصیلی

مشاوره تحصیلی

مخاطب گرامی، واضح است که منابع کنکور برای داوطلب‌هایی که متاهل هستند با یک دانش‌آموز کنکوری مجرد تفاوتی ندارد، فقط کمی شرایط آن‌ها برای درس خواندن متفاوت است. فردی که در این سن و با شرایط متاهلی شروع به درس خواندن مجدد کرده است، این اراده را دارد که بر شرایط حاکم فائق بیاید و خود را با آن وفق دهد.

شرایط خانه را برای درس خواندن مساعد کنید

اگر واقعا قصد ادامه تحصیل دارید، باید اوقاتی را که به درس خواندن در منزل اختصاص می‌دهید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنید تا بتوانید حداقل شش یا هفت ساعت را به دور از مسئولیت‌ها و دغدغه‌های خود، درس بخوانید. برای انجام این کار می‌توانید از فرد خواهش کنید تا روزانه چند ساعت از فرزند شما نگهداری کند یا کودک خود را چند ساعت به مهد کودک بسپارید. در ادامه تحصیل خود اصلا وقفه نیندازید چرا که ممکن است در سال‌های آینده شرایط تغییر کند و شرایط مساعد امروز را برای درس خواندن نداشته باشید. شما باید برای به دست آوردن رویاهای خود بجنگید. این نکته را هم بدانید که افراد زیادی بودند که دقیقا با شرایط این چنینی درس خوانده و به موفقیت هم رسیده‌اند البته ابتدا باید شرایط منزل را برای درس خواندن مساعد کنید. اطرافیان خود به خصوص همسرتان را برای ادامه راه با خود همراه کنید، منابع کمک درسی خود را به روز کنید، برنامه‌ای راهبردی برای خود تدارک ببینید که بهتر است مطابق با برنامه راهبردی آزمون‌های یکی از موسسه‌های معتبر کنکوری باشد تا بتوانید مسیری را که هدف خود قرار داده‌اید به خوبی و با موفقیت طی کنید.

مدرک کارشناسی را در شهر خودتان بگیرید

شایان ذکر است که قبولی شما در دانشگاه شهر محل سکونت خودتان از شانس بیشتری برخوردار است و قطعا درس خواندن در کنار خانواده به شما آرامش بیشتری می‌دهد. بنابراین نیازی نیست که از همین ابتدا، سنگ بزرگی بردارید و فقط به فکر ادامه تحصیل در دانشگاه فردوسی باشید. توصیه من به شما این است که قبولی در دانشگاه فردوسی را برای مقاطع بالاتر در نظر بگیرید و اکنون به بهانه قبول نشدن در این دانشگاه از درس خواندن دست برندارید.

خواهرم باعث شد که همسرم به من خیانت کند!

مردی هستم که متاسفانه حدود ۱۸ سال پیش همسرم به من خیانت کرد و باعث و بانی آن هم خواهرم بود که خانمم به واسطه او در دام افتاد. او آن زمان قسم خورد که دیگر با آن فرد رابطه نخواهد داشت و خانواده‌ام گفتند به خاطر بچه‌ها و قسم‌اش از گناهش بگذر. از آن زمان هرچند وقت زندگی‌مان دچار تنش می‌شود و بعضی وقت‌ها در خلوت حتی به انتقام از آن مرد نامرد فکر می‌کنم. البته شکر خدا از آن به بعد همسرم مشکلی نداشته اما آن اتفاق یادم نمی‌رود. چه کنم؟

بنفشه دولت‌آبادی | کارشناس ارشد مشاوره خانواده

مشاوره زوجین

زندگی مشترک با یک همسر خیانتکار شاید یکی از سخت‌ترین کارهایی باشد که تا به حال مجبور به انجام آن بوده‌اید بنابراین به شما تبریک می‌گویم که توانسته‌اید سال‌ها با شرایط موجود کنار بیایید و تصمیم درست بگیرید و به همسرتان فرصت تازه‌ای بدهید. شما حاضر به ادامه زندگی مشترک شده‌اید و مسلماً برخورد درست با همسرتان در طول این دوره بسیار مهم و حیاتی بوده و توانسته تضمینی برای ادامه زندگی مشترک شما باشد. بی شک در این برخورد و رفتار می‌تواند راه را بر تکرار خیانت ببندد تا زخمی دیگر بر پیکر زندگی‌تان وارد نشود که خوشبختانه همین طور هم شده است. با این حال، چند توصیه به شما داریم.

مرور خاطرات گذشته، ممنوع

خاطرات گذشته را کنار بگذارید. مدت زمان زیادی از آن واقعه می‌گذرد بنابراین سعی نکنید تمام زمان خود را صرف تلاش برای آوردن یک دلیل مناسب در آن اتفاق بکنید. بلکه تلاش کنید روند زندگی‌تان را به جلو سوق دهید. نگران نباشید که خانواده‌تان چه فکری در این باره خواهند کرد. شما نباید اجازه دهید این زخم کهنه دوباره باز و برای زندگی مشترک‌تان دردسر ساز شود.

همسرتان را مجازات نکنید

با وجود گذشت چندین سال از آن اتفاق هرچند ممکن است با بی رحمی در رفتار، دور کردن او از چیزهایی که دوست دارد، بد دلی و بدبینی به همسرتان و ... برای تلافی کردن احساس خوبی داشته باشید اما مطمئن باشید که این رفتارها شما را به جایی نمی‌رساند. هرچند آسیب دیده‌اید و گاهی احساس سردی می‌کنید ولی نباید کاری کنید که او مدام خود را مواخذه کند و احساس شرمندگی داشته باشد یا هر دوی شما حس تلخی درباره بودن با هم داشته باشید. همین حس پشیمانی و جبران در رفتار همسرتان گام مهمی در تلاش برای ادامه روند زندگی است پس به زندگی‌تان صدمه نزنید و تمام تلاش خود را برای ایمن کردن زندگی مشترک به کار بگیرید.

زندگی‌تان را شیرین کنید

برای شناخت همدیگر وقت صرف کنید اما این بار باید قوانین و اهداف جدیدی برای خود و رابطه‌تان تعیین کنید. شما باید مهارت‌های جدید بیاموزید تا با استفاده از آن‌ها، زندگی سالم و صمیمی تازه‌ای را شروع کنید. فراموش نکنید هیچ وقت برای داشتن یک زندگی ایده‌آل دیر نیست، آرام آرام پیش بروید و روند پیشرفت را ارزیابی کنید.

به یک مشاور حرفه‌ای نیاز دارید

با توجه به نکات مطرح شده در پیام‌تان، بهتر است شما و همسرتان به صورت جداگانه به مشاور خانواده مراجعه کنید. بی شک وقتی رابطه‌ای به مشکل برمی‌خورد، هر دو طرف رابطه تقصیراتی دارند. حتی ممکن است یکی از ایرادهایی که به شما وارد می‌شود، بی توجهی به نشانه‌های حاکی از خیانتکاری همسرتان در گذشته باشد و ....

تلافی کردن مشکلی را حل نمی‌کند!

سعی کنید بیش از حد روی شخص سوم تمرکز نکنید چون با این افکار نه تنها شما آسیب می‌بینید بلکه نمی‌توانید درباره همسر یا زندگی فعلی‌تان فکر کنید. گذشته را رها کنید. اکنون به فکر ساختن زندگی جدیدتان باشید و شانسی دیگر به خود و همسرتان بدهید و به جای فکر کردن به افکار منفی و تلافی کردن برای بهبود رابطه تلاش کنید. بی شک تلافی کردن واقعیت موضوع را عوض نمی‌کند. مهم این است که همسر شما اشتباهات گذشته را تکرار نکرده و از گذشته خود پشیمان است.